

ماهنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

موافق اطلاعاتی که بدست آوردیم زندانیان سیاسی از « زندان قصر » تهران به نقاط بد آب و هوای زیرین تبعید شده اند: پرویز حکمت جو به برازجان، علی خاوری براهدان، مهندس پیروزی به خرم آباد، معتمدی به بندر عباس، آوانسیان به کرمان. تبعید این رفقا نتیجه مبارزه دلیرانه آنها در زندان است. ما بدین عمل جابرانه رژیم بشدت معترضیم.

نامه سرگشاده رفقا حکمت جو و خاوری به نخست وزیر

متن این نامه را در صفحه ۸۸ اثرانت فرمائید

پیام بهمه احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهاد های مشخصی در باره ایجاد صندوق انتخاباتی و اخذ رأی در خارج از کشور و تنظیم لیست مشترک میدهد.

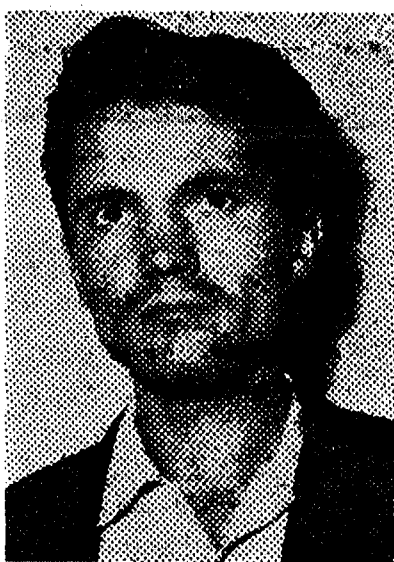


رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو در زندان

حزب توده ایران گرم فعالیت است



آصف رزم دیده



صابر محمد زاده

و پایدار است، گرم فعالیت است، زنده است میرزند.

از آن هنگام که حزب مارا «منحله» اعلام کرده اند تا کنون حزب بارهانیروی پایان ناپذیر فعالیت انقلابی خود را نشان داده است. در سالهای اخیر بارها سازمان امنیت و شهربانی سال «منحله» اعلام میکنند کماکان باقی

خبر کشف مطبوعه حزب توده ایران، شعله چاب و انتشار «ضمیمه مردم» و «شعله جنوب» در تهران، در هیئت حاکمه و ذرافکار عمومی تأثیر متضادی داشته است، هیئت حاکمه را متحیر و متوحش، مردم را شادمان کرده است. معلوم میشود حزبی که آنرا هیچده سال «منحله» اعلام میکنند کماکان باقی

اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها

آن هم برای مبارزه با انحرافات گوناگون در جنبش رهائی بخش مردم ایران و هم برای تحقق اتحاد واقعی و مقدس نیروهای ملی و ضد امپریالیست دارای اهمیت اساسی است. چپ روها و چپ نماها کیستند؟

قیل از هر چیز این نکته باید روشن بقیه در صفحه ۷

از چندی پیش در اپوزیسیون سندرژیم پدیده تأسف انگیز، زبان بخش و در عین حال عبرت آموزی بروز کرده است. افراد و گروههای معین - چپ رو و چپ نماها - زیر هدف ها و شعار های مشخص در عمل «متحد» شده اند. بررسی علل بروز این پدیده، افشاء ماهیت این اتحاد نامقدس و هدفهای آن و مشخص کردن راه مبارزه با

دوستان گرامی! بنا به اعلام مراجع رسمی دولتی صحنه سازی انتخابات فرمایشی و تجمعی یکسار دیگر روز ۱۳ مرداد ماه ۱۳۴۶ در کشور ما برپا میشود. مگر که گردانان این نمایش، دو حزب دولتی ایران نوین و مردم، هم اکنون کرسی های مجلس ۲۲ و مجلس سنا و حتی مجلس باصلاح مؤسساتی که قرار است انتخاباتش در همانروز یکجا با انتخابات مجلسین انجام گردد، بین خود تقسیم نموده اند.

در باره ماهیت این قبیل انتخابات که در محیطی مشتاق و عاری از هرگونه آزادی صورت میگردد حاجت باستدلال نیست. در جریان ۱۴ سال اخیر حکومت مطلقه شاه نه تنها اصول مسلمة قانون اساسی ایران را در باره حدود اختیارات سلطنت، دولت و مجلسین زیر پا گذارد، بلکه ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از مردم ایران سلب کرده است. احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک با خشونت آمیز ترین وسائل سرکوب میشوند و در برابر هرگونه فعالیت سیاسی و تبلیغی آنها با زندان و شکنجه و کلوله بیسج داده میشود. از آزادی بیان و قلم و اجتماعات که در زمره ابتدائی ترین مبانی دموکراسی و مهمترین حقوقی است که قانون اساسی برای قاطبه مردم ایران شناخته است با شدت هرچه تمامتر جلوگیری میشود و ابزار هرگونه مخالفتی با سیاست رژیم بزور ترور پلیسی خاموش میگردد. صد ها از بهترین فرزندان خلق به جرم معتدلات سیاسی و اجتماعی خود با شرایط رفتن باری در زندانها و تبعیدگاهها بسر میبرند. اینها واقعیات غیر قابل تردید و منظره روشن

تزارهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر

تزارهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر سوسیالیستی اکتبر در تاریخ پنجم ژوئن ۱۹۶۷ انتشار یافت. این سند مهم تاریخی که از یک مقدمه کوتاه و سه بخش و ۲۲ تز تشکیل میشود با تکیه بر واقعیات و تحقق اندیشه های سوسیالیسم علمی را به ثبوت میرساند. چنانکه در مقدمه آنجا قید گردیده است انقلاب اکتبر طی پنجاه سال گذشته نیروی شکست ناپذیر خود و خصیلت پایدار اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم را به مردم سراسر جهان نشان داده است، اینک انقلابی که با اکتبر کبیر آغاز شد گسترش میدهد استحکام میپذیرد و پیروز میگردد. سوسیالیسم امروز صد ها میلیون و فردای تمام جامعه بشری است.

کارزار تبلیغاتی هیئت حاکمه علیه حزب توده ایران چنانکه در شماره پیشین «مردم» نیز بدان اشاره کرده‌ام بالا گرفته است. جرائد دولتی بویژه اطلاعات کیهان، آژنگ، خواندنیها، فرمان و غیر در این زمینه حرارت نشان میدهند. اخیراً خواندنیها مقالاتی در باره «اسرار فاش نشده» حزب نشر داده است و بااستناد اقوال منسوب به رفیق شهید خسرو روزبه کوشیده‌است تا حزب را بمشئی جنایات متهم سازد. حساب آقایان افتراء گز روشن است؛ می‌خواهند بدست قهرمان ملی ایران حزب توده ایران را بکوبند و در عین حال نام بلند او را لکه‌دار سازند. میخواهند مدعی شوند که حزب توده ایران جانی و خانی است و شاه و رژیم او معصوم و بربری و مہین پرست ولی حساب حساب عبثی است و وظیفه مشکلی است که آقایان در برابر خود نهاده‌اند. شاه و هیئت حاکمه ای که در آذربایجان و کردستان کشتار کرده‌اند، در ۲۳ تیر و ۳۰ تیر و ۱۵ خرداد مردم بیگناه کوچ و خیابان را مسلسل بسته‌اند، بارها صحن دانشگاه را به قتلگاه بدل کرده‌اند، کریم پور شیرازی را زنده زنده سوزانده‌اند، دکتر فاطمی را روی سرانگار بمیدان عمام برده‌اند، خسرو روزبه را بچوب تیرباران بسته‌اند، مصدق را در خانه خود زنده بگور ساخته‌اند، بیش از هفتاد تن از افسران پسا کدامن و مبارز را در ریعان جوانی بخاک و خون خود غلطان کرده‌اند، صدها تن دیگر را تیرباران کرده و بدار کشیده‌اند، دادگاه نظامی آنها مانند گوتین موحشی شب‌روزر کار است، دهها تن را در زیر شکنجه های حیوانی نابود کرده‌اند و غیره و غیره معصومند و حزب توده ایران که قربانی خون آلود این عرصه است و اینهمه شهید داده است گناهکار و جانی شاه و هیئت حاکمه ای که ایران را وارد سنتو ساخته‌اند، کایتولاسیون را بر ایران بار دیگر تحمیل کرده‌اند، سیاست در های باز و تشویق سرمایه‌های امپریالیستی را بر ایران تحمیل کرده‌اند، نفت ملی شده را به چنگ کسرسیوم جهانخواران سپرده‌اند، قانون اساسی را نقض و مسخ کرده‌اند، ملباردها ریال اموال دولتی را ربوده‌اند، معصومند و گویا حزب توده ایران، حزب مشتی زحمتکش تهیدست که همه عمر خود مدافع حقوق مردم ایران بوده است خائن و دزد ایا الحق منطقی است مقنع و کبرا.

این سؤال مطرح میشود:

چرا این کارزار تبلیغاتی را بسراه انداخته‌اند؟

دلیل اول آن اجرا دستور سازمان «سیا» و بسط کارزار ضد کمونیستی بمناسبت مراسم پنجاهمین سال اکتیسیر است. امپریالیسم امریکا هراس دارد که در اثر ارائه دستاورد های عظیم اکثیر بر جاذبه سوسیالیسم بازهم افزوده شود، لهذا دستور داده است. کوره آنتی کمونیسم را در همه جا بازهم گرمتر سازند. مجریان این دستور در ایران بکار خود مشغول شده‌اند.

دلیل دوم واکنش در قبال مبارزه مردم ایران و حزب ما، اعتصاب دانشگاه‌های تهران و

باز هم در باره کارزار تبلیغاتی علیه حزب توده ایران

تیریز نمایشهای پرشور دانشجویان خارج کشور، پخش وسیع مطبوعات مخفی ما در ایران، کشف مطبعه حزب توده ایران نشان داد که مردم ایران و سازمانهای ابوزیسیون و حزب ما علیرغم تمام مساعی جابرانه رژیم زنده‌اند و بیدارند و می‌رزمنند. این واکنش خشن برای آنستکه بقول خود سمندر نسوختنی نهضت را در شعله جهمی اتهامات خاکستر کنند. دلیل سوم تدارک توشه معنوی سفر آتی شاه به واشنگتن است. آنتی کمونیسم محتوی اساسی این توشه است شاه به دوستان ما و راه آقایان خود میگویی: آقایان، نگران نباشید، بهبود روابط با کشورهای سوسیالیستی بمعنای انصراف از مبارزه علیه کمونیسم نیست. من کماکان یک آنتی کمونیست سرسخت و پیگیر هستم. اما اینکه تا چه اندازه ای این مرهم بر قلب رنجور امپریالیسم کارگر است، روشن نیست. ولی بهر جهت این یکی از اسلوه‌های سابقه‌دار رژیم است. احضار «چهارده تن سران حزب توده» و تجدید محاکمه غیابی و محکومیت غیابی آنها نیز که چندی پیش انجام گرفت، از اجزاء همین اسلوب است.

اما درباره آنچه که از قول خسرو روزبه در باره حزب ما نوشته‌اند ما فقط یک پاسخ میدهم: سند اصیل گفتار خسرو روزبه در آستانه مرگ یعنی دفاعیات او درست ماست و هزاران تن از آن آگاهند. خسرو در این سند شورانگیز چنین گفت:

«حزب توده ایران اصولی ترین و مشکل ترین حزب دوران پنجاه ساله مشروطیت ایران است. بزرگترین صفت میز به این حزب جاذبه انقلابی آنست، حزبی است که بر حسب ضرورت تاریخی بوجود آمده، بر مبنای اصول علمی تشکیل شده و دارای تئوری و جهان بینی علمی است. حزب توده ایران این افتخار را دارد که قائم به نیروی توده های ملت است و بخاطر منافع مردم تلاش میکند.»

«حزب ما حزب استعمار شکن و مدافع استقلال و تمامیت ارضی کشور است. مقاصد اجتماعی حزب ما همه از منبع بشر دوستی و احترام به انسانیت و خدمت ب مردم آب میخورد. ما میخواهیم برای همیشه به استثمار انسان از انسان که ما در همه مفاصل اجتماعی است خاتمه دهیم.»

«ما هر اقدامی که کرده ایم علیه طبقات حاکمه، علیه حکومت تحت نفوذ طبقات حاکمه و بنفع توده های خلق، بنفع دهقانان و کارگران و سایر طبقات محروم و تحت فشار بوده است. همه اقدامات ما بر اساس تأسیس حکومت ملی، حکومت مردم ب مردم و استقرار حق حاکمیت ملی و بخاطر اعتلاء و آزادی و سر بلندی و افتخار و استقلال مجن عزیزمان بوده است.»

«من باقتضای آتشی که بخاطر خدمت

الف) متوقف شدن جریان اعدام افسران نتیجه کارزار بین المللی بسیار وسیعی بود که بنا بابتکار و فعالیت جدی حزب توده ایران و پشتیبانی و همکاری صمیمانه احزاب و سازمانهای دموکراتیک و انقلابی جهان انجام گرفت. دهها و صدها سند این کارزار وسیع بین المللی در جریان آن دوران موجود است؛

ب) در دوران گرفتاری و بازپرسی و دادرسی رفیق شهید خسرو روزبه بار دیگر حزب مبتکر و سازمانده یک کارزار وسیع دیگر در مقیاس ایران و جهان گردید که متأسفانه نتوانست دست درخسیم را باز دارد. در این دوران نیز ما از مسداخته جمهوری توده ای چین کمترین اطلاعی نداریم؛

ج) در جریان گرفتاری و دادرسی ۱ نفر متهمین بسوء قصد (یکخواه و دوستان وی) حزب توده ایران در کارزار تبلیغاتی وسیعی که همه نیروهای ابوزیسیون در آن شرکت داشتند شرکت وسیع و مصممانه ای کرد. چنانکه میدانیم این رفقا متهم بودند که مهر و پیوند فکری با مواضع سیاسی رهبران حزب کمونیست چین هستند. در این دوران نیز نه رادیو رکن و نه جرائد و مجلات جمهوری توده ای چین دفاعی از این رفقا بعمل نیاوردند یا لااقل ما نشنیده ایم که بعمل آورده باشند؛

د) در جریان کارزار تبلیغاتی برای نجات جان پنجوردی، خاوری و حکمت جو بار دیگر نه تنها اقدامی از طرف مقامات چینی صورت نگرفت، بلکه بنا بگزارشی که در دست است طی کنگره اتحادیه های جهان (متمنقه در سوفیه) نمایندگان چین حاضر نشدند ورقه همیستگی را که همه هیئت های نمایندگی حاضر در آن کنگره امضاء کرده بودند، امضاء نمایند.

این واقعات است ولی آنچه که در جزوه مورد بحث گفته شده است ادعای بدون دلیلی است که هدفهای سیاسی معینی را تمهیکند.

کارزار تبلیغاتی علیه حزب توده ایران تنها از طرف هیئت حاکمه و یا از آن نوع که نامبردم دنبال نمیشود، بلکه متأسفانه از طرف برخی متعاقب ابوزیسیون ضد رژیم نیز چنین آوازه‌هایی بگوش میرسد. مطبوعات متعلق سازمانهای ابوزیسیون یعنی ضدتوده‌ای خود را در این اواخر تشدید کرده‌اند. برخی از این سازمانها آشکارا اعلام داشته‌اند که محو حزب توده ایران شرط بیروزی انقلاب ایران است؛

در صفوف ابوزیسیون برای این کارزار ضد توده‌ای مجله‌های تئوریک عرضه میگردد، نگارنده در مقاله خود تحت عنوان «بیماری چپ روی و چپ نمائی در بین نیرو های ابوزیسیون» شه ای از این مجله‌های تئوریک را مطرح ساخته و پاسخ حزب را در برابر آنها بیان کرده است. در همین شماره حاضر «مردم» نیز در این زمینه بحثهای لازم دیگر انجام گرفته است و لذا نیازی به تکرار آن مطالب در این مقاله نیست. تنها میخواهیم

بچه در صفحه ۳

مطبوعات آلمان غربی در باره سفر شاه

اقامت شاه و فرح در آلمان غربی در فاصله روزهای ۶ تا ۱۴ خرداد که آیمخته با تدارکات فوق‌العاده پالیس و ایجاد محدودیت و اختلال در زندگی مردم آن کشور بود، موج نیرومندی از نارضایتی برانگیخت. این عدم رضایت شدید نه تنها در روزنامه‌ها و مجلات مخالف، بلکه در صفحات مطبوعات موافق دولت نیز انعکاس یافت. نقل انبوه مطالبی که در این

زمینه در مطبوعات آلمان غربی انتشار یافته نه ممکن است و نه ضروری. در اینجا ما فقط به خلاصه ای از آن اکتفا میکنیم تا خوانندگان ماهنامه مردم در باره میزان صداقت رادیوی دولتی و روزنامه‌های درباری ایران که اخبار معمولی اوسفر شاه بخش کرده‌اند خود قضاوت کنند.

هنوز پیش از یک هفته به آغاز مسافرت شاه مانده بود که اقدامات شدید پالیس آلمان غربی در صفحات روزنامه‌های آن کشور انعکاس یافت. روزنامه «بیلد» در تاریخ ۱۹ ماه مه ۱۹۶۷ چنین نوشت: «کنترل مرزها فوق‌العاده افزایش یافته، پالیس مرزی فهرست اسامی ۵۰۰ نفر مسافر ایرانی را دریافت داشته که بملیت مظنون بودن، نباید از ورود آنان بپاک آلمان غربی جلوگیری شود. فرشته، بن، تدارکات امنیتی و بعدن‌الای خود رسیده، هتل «پلرزبرگ» که زوج سلطنتی ایران چهار روز در آن اقامت خواهند نمود به قلمه، ای تبدیل شده است.

زمینه نوشته است: «هفته‌ها قبل از سفر شاه، پالیس به سراغ دانشجویان ایرانی میرفت و عقیده آنان را در باره شاه خواستار میشد. با این وضع آزادی عقیده در کشور ما چه معنایی میخواند داشته باشد؟ آیا این دانشجویان خود در کشور ما میمانند یا به آلمان غربی از خود میبرند؟ اگر میمانند تا این حد خود را در خطر حس میکنند، بهتر نیست در کشور خود بمانند و اقدام به مسافرت نکنند؟ روزنامه «بیلد» در روز ۲۷ ماه مه یعنی روز ورود شاه به آلمان غربی می‌نویسد: «امروز هنگامیکه شاه به بن وارد میشود یک نیم تنه ضد گلوله برتن دارد که در آمریکا ساخته شده. یکی از مأموران سازمان امنیت ایران گفت: ما فقط نگران حفاظت از سر بدون حفظ شاه هستیم.»

فرانکفورت روزنامه «شو» در تاریخ ۲۹ مه اطلاعات بیشتری در باره پیشگیری پالیس در هتل محل اقامت شاه و فرح در شهر «بن» میدهد. این روزنامه می‌نویسد: «از دو روز قبل از ورود شاه به شهر «بن» هیچ اتومبیل و هیچ عابری اجازه نداشت به هتل «پلرزبرگ» نزدیک شود. تا آخرین لحظه ورود شاه، ده نفر مأمور سازمان امنیت آلمان غربی مرتباً اطلاعاتی هتل را بازرسی میکردند تا مبدا مواد منجره و یا بهی در اطراف کار گذاشته باشند. هتل «پلرزبرگ» که بیش از ۱۰۰ تخته‌خواب دارد، بخاطر ورود شاه و فرح و ۲۰ نفر از همراهانشان از کلیه مهمانان تخلیه شد.

روزنامه «بیلد» (۱۹ مه) باز هم حاوی اطلاعات جالبتری است: «شاه ایران گارد محافظ و نیز زهر چش و خویش را با خود به آلمان می‌آورد. این شخص باید تمام غذاهای شاه را قبلاً بچشد. در مونیخ که ۱۰۰۰ نفر ایرانی مخالف شاه زندگی میکنند، ساده ترین راه تبعید مظنونین در روزهای بین ۲۷ مه تا ۲ ژوئن تشخیص داده شده. رئیس پالیس در مونیخ اظهار میدارد که: ما نمیتوانیم تمام ایرانیان را توقیف کنیم، زیرا برای اینکار دلیلی در دست نداریم، همین روزنامه در تاریخ ۲۹ مه نوشت: «شاه ایران در شهر «بن» برابر بنای یادبود قربانیان جنگ ایستاده بود و موزیک سرود میخواند. این لحظات یادآوری خاطره قربانیان جنگ را دانشجویان برهم زدند. آنها در بلندگویی فریاد میکردند: مرگ بر شاه! شاه سری تکان داد و بر چهره او اندیشه‌اش نشست.

امتیعی را برای ورود شاه بطور مفصل توضیح داده است: «فقط در شهر «بن» ۱۸۰۰ پالیس و مأمور سازمان امنیت گمارده شده، در برلین غربی ۵۰۰۰ پالیس از شاه حفاظت میکنند، در کلن ۱۲۰۰ مأمور پالیس مجبور به انصراف از استفاده از مرخصی سالیانه خود شدند. در مسیر شاه کلیه راهها، پلها و چهار راهها شدیداً مراقبت میشوند. هیچ هواپیمایی سازمان محل اقامت شاه اجازه پرواز ندارد. به محض آنکه متفرق شوند، بجز کت خرید خیابانها از وسطاقله تخلیه میشوند. در «دوسلدورف» هنگامیکه شاه به بازدید از مقر رئیس جمهوری می‌رود پالیس سوار او را حمایت خواهد کرد. بدن اسبها میبایست سپر گلوله‌های احتمالی باشند. با این وجود شاه ایران، گارد حناباز، خود را همراه آورده است. خبرنگاران و عکاسان حق ندارند کمتر از ۱ تا ۲ متر فاصله داشته باشند. روزنامه ادامه میدهد: «اکنون در آلمان غربی ۸۰۰۰ ایرانی زندگی میکنند که ۶۰۰۰ نفر آنها دانشجوی هستند. دانشجویان میگویند چون در ایران ابراز مخالفت با رژیم غیر ممکن است. ما وظیفه خود میدانیم در هر کشوری که هستیم مخالفت خود را با رژیم ایران داریم. روزنامه «بیلد» با جملات زیر برادرانای

«زود دوپچه تسایوننگ» در شماره ۲۳۱ اطلاع میدهد که: «در تظاهرات شهر بن ۶۱ دانشجوی توقیف شدند. خانه بسیاری از آنها مورد بازرسی قرار گرفت و عده کثیری از آنان را مجبور به ترک خانه‌های خود نمودند. روزنامه «دی ولت» (۳۰ مه) اطلاع میدهد که: «پالیس بن ۳۰ نفر از دانشجویان را که قصد داشتند در کنار حلقه گل شاه در بنای یادبود «هوف گارتن» حلقه تلی بگذارند دستگیر ساخت. دانشجویان روی این حلقه گل نوشته بودند: «برای قربانیان شاه جبار، یک مجله آلمانی چنین می‌نویسد: «کسانی که غایب پذیرائی بر شکوه از یک دیکتاتور، دستی به تظاهرات زده بودند از طرف پالیس مضروب و مجروح شدند. مأموران سازمان امنیت ایران (ساواک) با عکسهای فرح دیبا، زوج سلطنتی ایران را در برابر شهر درباری با شادی استقبال کردند و سپس شروع به حمله بدانشجویان مخالف رژیم و مضروب کردن آنان نمودند. مأموران مخفی محمد رضا پهلوی، هنوز برنامه روزانه خود را تأمل نکرده بودند. این عده شب‌همان روز در برابر ابراهیم گمارده شدند تا در اینجا نیز ورود شاه را با فریاد شادی استقبال کنند و با تظاهرات دانشجویان مخالف شاه، با برتاب سنک و ضرب و جرح مقابله نمایند. یک بازگشت آلمانی در پاسخ اقتراح روزنامه «کانیشه روند شو» در باره مسافرت شاه می‌نویسد: «من روز ورود شاه در «بن» بودم، بغاصله هر دو متر پالیس ایستاده بود. همه بچشم دیدند که مردم علاقه ای به دیدن میهمانان نشان نمیدهند. در اینصورت آیا اینهمه خرج ضروری بود؟ روزنامه «بیلد» مورخ ۵ ژوئن می‌نویسد: «اتومبیل مرسدس که زوج سلطنتی ایران را به ایرو میبرد مجبور شد در پیاده رو مستقیماً تا جلوی در ابراهیم پیش برود. فقط باین ترتیب میهمانان میتوانستند بدون خطر وارد ابراهیم شوند. چندین صد نفر از تظاهر کنندگان هنگامیکه شاه و فرح میخواستند از ابراهیم برلین دیپن کنند، گوجه فرنگی و تخم مرغ پرتاب میکردند. «بیلد ام ژوئننگ» (۲ ژوئن) خبر از قتل دانشجوی ۲۶ ساله آلمانی «بنو اونه

زورگ» میدهد و می‌نویسد: «نمایندگان دانشجویان آلمانی طی یک اعلامیه، شدیداً به پالیس آلمان غربی اعتراض کردند. در این اعلامیه نوشته شده: «وقتی دیکتاتور ایران بهیمنانی میاید لزومی ندارد همان شیوه‌های معمول در کشورش را حتی در برلین بکار برد. «دایدست» (۳۱ مه) حتی از عصبانیت برخی مقامات دولتی آلمان از محدودیت عبور و مرور خبر میدهد. این روزنامه می‌نویسد: «هنگامیکه مونیخ برای بزرگترین هرج و مرج عبور و مرور در تاریخ شهر خود را آماده میکرد، «وسر» وزیر کشور و ستفان اظهار داشت: «میهمانان دولت در مسافرت خود به آلمان از این بعد میتوانند از هلیکوپتر استفاده کنند زیرا چندین ساعت تعطیل عبور و مرور و بستن خطوط موجب زیانهای اقتصادی است که من نمیتوانم مسئولیت آنرا بپذیرم. زود دوپچه تسایوننگ (اول ژوئن) می‌نویسد: «پذیرائی مردم مونیخ از زوج سلطنتی ایران صمیمانه نبود. بعضی آنکه شاه از ایستگاه راه آهن بیرون آمد ابراز ازجبار مردم آغاز شد. شاه با سیمای بیحرکت جملاتی را که غایب او ادا میشد بگوش میکرد.»

«فرانکفورت روند شو» (۲ ژوئن) تظاهرات ضد شاه را در شهر مونیخ چنین توصیف میکند: «در برابر شهرداری مونیخ جمعیت به انتظار ایستاده بود. در همین موقع فریاد: شاه را از آلمان بیرون برانید، شاه، قاتل، از جمعیت برخاست. هلیکوپتری که برای مراقبت از شاه همراه اسکورت بود میخواست با صدای موتور خود شاید مانع از شنیدن صداهای مخالف شود.

«زود دوپچه تسایوننگ» (۲ ژوئن) می‌نویسد: «دومین روز سفر زوج سلطنتی ایران نیز توأم با تظاهرات دانشجویان بود. بر روی پرچمها شماره‌های نظیر «مرگ بر رژیم شاه»، «شکجه را پایان دهید»، «زندانیان سیاسی باید آزاد شوند» دیده میشد. بر روی یک پلاکات نوشته شده بود: «شاه قاتل» است.

روزنامه «بیلد» (۳۱ مه) می‌نویسد: «مردم دوسلدورف از شاه، فرح و پالیس عصبانی هستند. مردم میگویند در خیابانها بیش از «تماشایی»، «پالیس» است. روزنامه زود دوپچه تسایوننگ (اول ژوئن) خبر از وجود ۱۶۰۰ نفر پالیس در شهر دوسلدورف برای حفاظت از شاه میدهد. شهر های دیگر آلمان نیز با سرپی از شاه استقبال نمودند. روزنامه «بیلد» (۳۱ مه) می‌نویسد: «شهر کلن بمناسبت سفر شاه، به تصرف پالیس درآمد. علاقه مردم به دیدن شاه و مانکه آنکه بود در پشت میله‌های آهنی کنار خیابانها، اثری از جمعیت نبود. فرح در محاصره پالیس اینخند میزد او نمیدانست که هم اکنون در چند قطعه از شهر کلن دانشجویان اوراقی به در و دیوار شهر چسبانده اند که روی آن نوشته شده: «قاتل» و محمدرضا پهلوی جستجو میشود. در این اوراق چنین خوانده میشد: «شاه در نتیجه کشتار مردم جنایت» همگامی با سازمان جاسوسی کشور های خارجی و غارت ملت خویش جرم شناخته شده است. یسگی از روزنامه «هلای منتشره در شهر آخن خبر از همدردی دانشجویان آلمانی ابراهیم شهر بدانشجویان ایرانی میدهد. روزنامه چنین می‌نویسد: «گروه دانشجویان سوسیال دموکرات شهر آخن برای همدردی با دانشجویان ایرانی مارش سکوت ترتیب دادند. دانشجویان اعلامیه‌ای منتشر ساختند که در آن نوشته شده بود: «فقط شاه ایرانی نیست. در ایران ۲۴ میلیون نفر ایرانی در فقر و استبداد بسر میبرند. شاه بزرگترین نماینده یاک نظام قرون وسطایی است که مردم ایران را در فقر نگاه داشته است. دردست دانشجویان شعار هائی مانند «شاه نماینده متخذب مردم ایران نیست» و «قتل های سیاسی در ایران باید موقوف شوند»، «زندانیان سیاسی را آزاد کنید» و «مرگ بر دیکتاتور» دیده میشد. دانشجویان هامبورگ نیز تظاهراتی علیه شاه ترتیب دادند روزنامه هامبورگ مرکن‌پست (ژوئن) می‌نویسد: «۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه هامبورگ علیه شاه نمایش دادند. در این دنونستراسیون، دو دانشجو با ماسکهای قوای شاه و فرح نشسته بودند. عده دیگری از دانشجویان مارش سکوت ترتیب دادند. این دانشجویان اعلامیه‌هایی بخش کردند که در آن نوشته شده بود: «به دانشجویان ایرانی اجازه داده نشد «مرگ بر شاه» بگویند» و «بقرار نوشته یکی از روزنامه‌های هامبورگ ۴۸۰۰ پالیس در این شهر برای حفاظت شاه تجهیز شده بودند.

روزنامه «دی ولت» (۳۱ مه) نا بحالی مأمورین مردم را از اقدام پالیس چنین توضیح میدهد: «صرف نظر از ایجاد مزاحمت برای تعداد زیاد از مردمی که در مسیر زوج سلطنتی ایران سکونت داشته‌اند، صرف نظر از فعالیتی که شعبه خارجی و پالیس سیاسی و نیز مأموران سازمان امنیت ایران بین دانشجویان خارجی مقیم آلمان غربی میکنند، تجهیز تعداد زیاد پالیس و قرق خیابان موجب شده است که مردم از هم بپرسند، بالاخره بچه ترتیب باید خود را به مقصد رسانند تا بچه اینگونه اقدامات برای حفظ شاه آستیکه رانندگان غیر مجای در شهر هاسر در کم شوند و دانش آموزان در بنخانه های خود برسند. اما صرف نظر از خسارات شخصی، برای بسیاری از مردم این سوال مطرح است که وجود اینهمه پالیس در شهر های محل اقامت شاه چه مبلغ هزینه خواهد داشت؟ مردم میگویند: بچه حق پالیس صد ها خانه را در مسیر شاه زیر نظر گرفته تا مبدا یکطرفه ایرانی ساکن این خانه‌ها باشد و یا حتی با ساکنین این منازل دوستی داشته باشد؛ بچه دلیل پالیس از مردم میخواند که در مسیر شاه بجزر خانه‌های خود را ببندند و انزجار مردم آلمان از سفر شاه کاه جنبه تسخیر بنام گرفته است. روزنامه «راین نکار» (۳ و ۴ ژوئن) می‌نویسد: «تاخته دانشجویان سوسیالیست آلمان جاسهانی تحت عنوان «خدا حافظی با شاه» ترتیب داد. در متن دعوت نوشته شده بود: «در این جلسه نیم تنه زهری شامرا بشما نشان خواهیم داد و چند تن از مأموران سازمان امنیت ایران و آلمان را معرفی خواهیم کرد. بعداً در جلسه به معنوین گفته شد: «نیم تنه زهری شاه فعلاً در دسترس نیست زیرا برای بدن احتیاج دارد. روزنامه «بیلد» (۳۰ مه) از قول یکی از خوانندگان خود می‌نویسد: «یات آلمانی نمیدانند بچه دلیل بایه به زوج سلطنتی ایران ۴۰ مایون مارک وام داده شود» پولی که آلمان بعنوان وام به شاه میدهد میتواند برای تقویت اقتصاد خودمان مصرف شود. جواهرات آنها برای رفم نیازمندی کشورشان کافی است. «فرانکفورت روند شو» (۲۹ مه) در همین زمینه می‌نویسد: «گفته میشود که زوج سلطنتی ایران احتیاج به دریافت ۶۰ میلیون کمک اقتصادی از آلمان دارد. فرح دیبا سالیانه ۸۰ هزار دلار یعنی ۳۲۰ هزار مارک فقط برای لباس خود خرج میکند. یک چنین مصارف بدون شک موجب بروز عدم تعادل در بودجه کشور میشود. «کانیشه روند شو» رضایت شاه را از جنایات پالیس و عدم رضایت مردم را از این اقدامات و جنایات چنین توضیح میدهد: «شاه ایران قبل از مراجعت رئیس پالیس و رئیس سازمان امنیت شهر «سن» را بحضور پذیرفت و بعنوان تشکر دست آنان را فشرده اما در همان روز تاخته دانشجویان آلمان به اقدامات پالیس علیه دانشجویان ایرانی شدیداً اعتراض نمود.

«مسائل بین المللی» شماره ۲۶ نشریه «مسائل بین المللی» از چاپ خارج شد. شماره ۲۷ این نشریه نیز بزودی انتشار خواهد یافت. مطالعه این نشریه خواننده را از جریان تکمیل اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم و مسائل عیدهای که سیر تکمیل جهان کنونی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، فلسفی و غیره در برابر واحدهای جنبش جهانی کارگری مطرح میسازد با خبر نگاه میدارد. بدست آوردن مطالعه نشریه «مسائل بین المللی» را بتمام کسالتیکه به مسائل تئوریک و اطلاعاتی جنبش جهانی کارگری علاقه‌مندند، توصیه میکنیم.

«مسائل بین المللی»

شماره ۲۶ نشریه «مسائل بین المللی» از چاپ خارج شد. شماره ۲۷ این نشریه نیز بزودی انتشار خواهد یافت. مطالعه این نشریه خواننده را از جریان تکمیل اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم و مسائل عیدهای که سیر تکمیل جهان کنونی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، فلسفی و غیره در برابر واحدهای جنبش جهانی کارگری مطرح میسازد با خبر نگاه میدارد. بدست آوردن مطالعه نشریه «مسائل بین المللی» را بتمام کسالتیکه به مسائل تئوریک و اطلاعاتی جنبش جهانی کارگری علاقه‌مندند، توصیه میکنیم.

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو بیگ ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجوعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

بقیه از صفحه ۱

توهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر

تاریخی از خود نشان داد و تناسب قوای انقلابی و خصوصیات مشخص انقلاب را بدین حساب کرد. حزب در مراحل مختلف انقلاب تا کنین با روش و متودی را بکار بست. از شیوه های مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز، قانونی و غیر قانونی مبارزه استفاده کرد. توانست این شیوه ها را تلفیق کند و شکلی از مبارزه را بشکل دیگر، مسالمتی از مبارزه با مسالمت دیگر تبدیل کند. در همین جا است که ما یکی از تمایزات اصولی استراتژی و تاکتیک لنینیسم را از یکسو بسا رفورمیسم سوسیال دموکراسی و از سوی دیگر با ماجراجویی خرده بورژوازی مشاهده میکنیم. انقلاب سوسیالیستی اکتبر نظام بهره کشی و استثمار را از خاکش کشور را از ورانه جنگ خونین امپریالیستی در آورد و بنیاد جهان سرمایه داری را متزلزل کرد. اهمیت جهانی و تاریخی انقلاب اکتبر در آن است که راه تحول انقلابی را نشان داد. اشکال و اسلوبهای این تحول کشف کرد. تجربه انقلاب اکتبر جنبه پایانی آن نیز قانونی و برترانیک مبارزه انقلابی، نمونه استراتژی و تاکتیک عامی است.

در توها بوظائف برجسته که پس از استقرار حکومت شوروی در مقابل زحمتکشانی قرار داشت اشاره شده و پس از تشریح اقدامات امپریالیسم خارجی و ارتجاع داخلی گفته میشود که زحمتکشانی همه خائنه های شوروی برای دفاع از دولت شوراهای و آزادی و آینده کمونیستی قدا کارانه مبارزه کردند. منی جنگ داخلی اتحاد بینکارچوبانه کارگران و دهقانان اتحاد همه خائنه های که بپرکت انقلاب آزاد شده بودند بیش از پیش تحکیم پذیرفت. پیروزی قدرت حیات و استحکام قدرت شوراهای را نشان داد.

تجربه نخستین سالهای حکومت شوروی در راه برآاست که طبقات استثمارگر بهره و سواهایی مشتبه میشوند تا مواضع از دست رفته را باز یابند. خانی بیروزمند باید ساخته به دست همواره آماده باشد تا از دستاوردهای انقلاب دفاع نماید و مقاومت استثمارگران را در هم شکنند. اعمال قهر انقلابی علیه بهره کشان که پاسخ اعمال قهر از طرف آنها است حق مقدس هر مانی است.

در توها از ساختمان جامعه سوسیالیستی که با تعدد انقلاب است سخن گفته میشود و از آنجمله صحنه کردن سوسیالیستی کشور و نوسازی کشاورزی بر مبنای سوسیالیستی، انقلاب فرهنگی تشریح میگردد. در توها راجع به جنگ کبیر میهنی مردم شوروی بحث میشود و پس از تشریح شرایط بروز جنگ و خرابیهای ناشی از آن گفته میشود که در برخورد شدید جنگی با امپریالیسم و فاشیسم نظام اجتماعی و دولتی شوروی پیروز گردید. سرچشمه نیروی اتحاد شوروی اقتصاد سوسیالیستی، وحدت اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک جامعه، مبنی پرستی شوروی و دوستی خائنه های شوروی، اتحاد مردم بیرونی حزب کمونیستها، قهرمانی بی نظیر و دلواوری سباهیان شوروی بود. پیروزی شوروی در عهد حال پیروزی ایدئولوژی سوسیالیستی بر ایدئولوژی ضد بشری امپریالیسم و فاشیسم بود. نتایج جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی بطرز اخصیانه بخش نشان داد که در جهان نیروی نیست که بتواند سوسیالیسم را براندازد و مردمی را که به اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و به مذهب سوسیالیستی خویش وفادار است بزانو در آورد.

ضمن توها جریان ترمیم خرابیهای ناشی از جنگ و اقداماتی که برای انجام برنامه های ساختمان صلح آمیز بعمل آمده است تشریح گردید و از آنجمله گفته میشود که شرایط تکمیل جامعه شوروی بعد از جنگ در مقابل حزب کمونیست مسائل بفرنج خطری را قرار داد. زندگی سخت مشی سیاسی حزب را تأیید کرد و نشان داد که حزب قادر است تجربه نموده ها را به شیوه خلاق تمام دهد و شمار های سیاسی را پرستی مطرح سازد. اشتباهات موجود را کشف کند و برطرف سازد. حزب که مشی گسترش بیش از پیش دامنه دموکراسی سوسیالیستی را عمل میگرد در گذشته

بیشتر خود کیش شخصیت استالین و گجروپهای ناشی از این کیش و از آنجمله مبالغه در نقش یات فرد، انحراف از اصل لنینی رهبری جمعی، تفسیفات نادرست و نقض قانونیت سوسیالیستی را بافانیت محکوم کرد. ولی این گجروپها با وجود جدی بودن آن مابشرت جامعه سوسیالیستی را تغییر نداد و ارکان سوسیالیسم را متزلزل نکرد.

بخش ۲ - ساختمان کمونیسم ادامه

و تکمیل امر خطیر انقلاب اکتبر است

در این بخش ساختمان پایه های مادی و فنی کمونیسم و قانونه های گدار بجامه کمونیستی تشریح میگردد.

پیروزی سوسیالیسم مقدمات اقتصادی واجتماعی و سیاسی و معنوی گذار به ساختمان جامعه کمونیستی را فراهم ساخت.

گذار از سوسیالیسم به کمونیسم ایجاب میکند که بنیاد مادی و فنی لازم پدید آید، بازده کار بسی افزایش یابد، وفور نام مادی تادین گردد، تفاوت میان شهر و ده، میان کار فکری و جسمی از میان برود. جهان بینی عامی و اخلاق کمونیستی تثبیت گردد. تنها با تحقق این شرایط است که میتوان اصل بنیادی کمونیسم یعنی اصل، از هر کس باندازه استعدادش، بهر کس باندازه نیازش، را تحقق بخشید.

کمونیسم تنها بر پایه دستاوردهای سوسیالیسم، بر پایه بسط و تکامل باز هم بیشتر اقتصاد و تکامل استروکتور اجتماعی، سازمان سیاسی و زندگی معنوی میتواند ساخته شود.

تولید سوسیالیستی اکتون، چنان بیضی رسیده است که ایجاب بنیاد مادی و فنی کمونیسم را از هر جهت میسر میسازد.

رشد تولید سوسیالیستی، برای ترقی روز افزون سطح زندگی و معنوی مردم شوروی پایه محکمی بوجود آورده است.

در استروکتور اجتماعی جامعه سوسیالیستی تغییرات مهمی پدید آمده است. خصالت استروکتور جامعه سوسیالیستی را وجود طبقات و گروههای کسبه دوست یگانه میگردد، وحدت منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها و علاقه های آنها، بساختمان کمونیسم تعیین میکنند.

بر پایه یگانگی اقتصادی و اجتماعی در ملل سوسیالیستی سجاوی انترناسیونالیستی تکامل مییابد. ستن شوروی سازندگان کمونیسم تثبیت میشود. وحدت هدف و ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی، وفاداری بامر کمونیسم، انترناسیونالیسم عمیق و مذهب پرستی شوروی، احترام به شیئون ملی، دوستی و برادری از خصائل زحمتکشان جامعه واحد و در عین حال کثیر المله سوسیالیستی است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با بنیادی کوتاه بینی ملی و غلبه هر گونه بروز روحیات محلی گری، ناسیونالیسم و شوینیسم پیگیرانه مبارزه میکند.

بر اساس تجربه اتحاد شوروی همه چهار جهت تیزوی حیات بخش سیاست ملی لنینی پی میبرد. حل مسئله ملی در کشور شونهاها بطور انکار ناپذیر نشان داد که خلافت تاریخی قبال و مستقل تنها در خورد مال، بر گردید، نیست بلکه در دسترس همه خائنه میباشد. دولت کثیر المله سوسیالیستی شوروی در عمل پیروزی اصل انترناسیونالیسم، پرولتری را نشان میدهد.

در دوران ساختمان کمونیسم سازمان دولتی و دموکراسی سوسیالیستی باز هم پیشتر تکمیل میشود.

بخش ۳ - انقلاب سوسیالیستی اکتبر

و پیروسه انقلاب جهانی

انقلاب اکتبر آغاز گذار انقلابی از سرمایه داری به سوسیالیسم در سراسر جهان بود. ملی نه قوت گذشته پیروسه انقلاب جهانی بلاوقه گسترش یافت. کشورها و خائنه های تازه ای را در بر گرفت. گسترش انقلاب جهانی در مبارزه با امپریالیسم که در مقابل نیرو های انقلاب سرخشانه مقاومت میورزد و در بعضی از مناطق به تضرع مقابل میبرازد انجام میپذیرد. جنبش انقلابی جهانی با مشکلات درونی نیز مواجه است که از رشد سریع انقلاب و گوناگون بودن نیروهای اجتماعی شرکت کننده در مبارزه ضد امپریالیستی سرچشمه میگردد. با این وجود گرایش اساسی تکامل تاریخی بشریت گرایشی است که با انقلاب اکتبر مبنی شده است. محتوی عمده این گرایش تاریخی، سات عمده و خصوصیات عمده آنرا امروز سیستم سوسیالیستی جهانی، نازوهانی که علیه امپریالیسم و بخاطر تحول سوسیالیستی جامعه مبارزه میکنند مبنی میکنند.

تجربه تاریخی پنجاه سالی که از انقلاب اکتبر میگذرد نتیجه تری تئوری انقلابی را در یاره محکوم بزرگ بودن سرمایه داری تأیید کرد.

مرحله امپریالیستی تکامل نظام سرمایه داری ماهیت ضد ملی و عویب ارکانیک آنرا آشکار ساخت. امپریالیسم خائنه را دچار دو جنگ جهانی کرد که در آن ۶۰ میلیون نفر کشته شدند. وایات بشریت ملی به برافروختن سومین جنگ جهانی و استعمال سلاح هسته ای و نوشکی تهدید میکند. جنگهای محلی و تهاجمات علیه جنبش جهانی بخش ملی (گروه براین تهاجمات تجار امپریالیسم امریکا در ویتنام، خفانه اشتغالگران اسرائیلی به کشورهای عربی است) نظامی کردن اقتصاد، سرکوب دموکراسی و کوشش برای استقرار رژیم های تروریستی فاشیستی (آخرین مثال این اقدام کردوئی ارتجاعی در یوگانی است) چنین است مظاهر آشکار ماهیت ارتجاعی امپریالیسم.

امپریالیسم مسئول عقب ماندگی اقتصادی و فنی دهها کشور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. این عقب ماندگی نتیجه مستقیم غارتگری قدرتهای امپریالیستی و سیاست استثمار و نواستعماری است. امپریالیسم از همه امکانات استفاده میکند تا بوجود آورد، خود ادامه دهد، سرمایه داری معاصر قبل از همه سرمایه داری انحصاری دولتی است که خود را با شرایط مبارزه دو سیستم جهانی تطبیق میدهد.

امپریالیستها با هر نظر گرفتن سطح کونی تیرو های مولده، خصوصیات مبارزات طبقاتی، بقیایان جهانی، موقعیتهای کشور های سوسیالیستی، رشد نیرو های طبقاتی در حوزن جهان سرمایه داری، مانور میکنند، میکوشند تأثیر مخرب ترین پدیده ها مانند هرج و مرج تولید، بجزانهای اقتصادی، بیکاری وسیع مردم یعنی تأثیر پدید هائی را که برای خود از لحاظ اجتماعی خطرناک میدانند محدود سازند. امپریالیستها بطور وسیع سیستم تنظیم دولتی اقتصاد را بکار میبندند. اسلوبهای ظریفتر استثمار زحمتکشان را بکار میورزند. عوامل فیزی اجتماعی را تقویت میکنند. مدلک هیچگونه نوآوری

ماهیت سوسیالیستی سجاوی انترناسیونالیستی تکامل مییابد. ستن شوروی سازندگان کمونیسم تثبیت میشود. وحدت هدف و ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی، وفاداری بامر کمونیسم، انترناسیونالیسم عمیق و مذهب پرستی شوروی، احترام به شیئون ملی، دوستی و برادری از خصائل زحمتکشان جامعه واحد و در عین حال کثیر المله سوسیالیستی است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با بنیادی کوتاه بینی ملی و غلبه هر گونه بروز روحیات محلی گری، ناسیونالیسم و شوینیسم پیگیرانه مبارزه میکند.

بر اساس تجربه اتحاد شوروی همه چهار جهت تیزوی حیات بخش سیاست ملی لنینی پی میبرد. حل مسئله ملی در کشور شونهاها بطور انکار ناپذیر نشان داد که خلافت تاریخی قبال و مستقل تنها در خورد مال، بر گردید، نیست بلکه در دسترس همه خائنه میباشد. دولت کثیر المله سوسیالیستی شوروی در عمل پیروزی اصل انترناسیونالیسم، پرولتری را نشان میدهد.

در دوران ساختمان کمونیسم سازمان دولتی و دموکراسی سوسیالیستی باز هم پیشتر تکمیل میشود.

بخش ۳ - انقلاب سوسیالیستی اکتبر

و پیروسه انقلاب جهانی

انقلاب اکتبر آغاز گذار انقلابی از سرمایه داری به سوسیالیسم در سراسر جهان بود. ملی نه قوت گذشته پیروسه انقلاب جهانی بلاوقه گسترش یافت. کشورها و خائنه های تازه ای را در بر گرفت. گسترش انقلاب جهانی در مبارزه با امپریالیسم که در مقابل نیرو های انقلاب سرخشانه مقاومت میورزد و در بعضی از مناطق به تضرع مقابل میبرازد انجام میپذیرد. جنبش انقلابی جهانی با مشکلات درونی نیز مواجه است که از رشد سریع انقلاب و گوناگون بودن نیروهای اجتماعی شرکت کننده در مبارزه ضد امپریالیستی سرچشمه میگردد. با این وجود گرایش اساسی تکامل تاریخی بشریت گرایشی است که با انقلاب اکتبر مبنی شده است. محتوی عمده این گرایش تاریخی، سات عمده و خصوصیات عمده آنرا امروز سیستم سوسیالیستی جهانی، نازوهانی که علیه امپریالیسم و بخاطر تحول سوسیالیستی جامعه مبارزه میکنند مبنی میکنند.

تجربه تاریخی پنجاه سالی که از انقلاب اکتبر میگذرد نتیجه تری تئوری انقلابی را در یاره محکوم بزرگ بودن سرمایه داری تأیید کرد.

مرحله امپریالیستی تکامل نظام سرمایه داری ماهیت ضد ملی و عویب ارکانیک آنرا آشکار ساخت. امپریالیسم خائنه را دچار دو جنگ جهانی کرد که در آن ۶۰ میلیون نفر کشته شدند. وایات بشریت ملی به برافروختن سومین جنگ جهانی و استعمال سلاح هسته ای و نوشکی تهدید میکند. جنگهای محلی و تهاجمات علیه جنبش جهانی بخش ملی (گروه براین تهاجمات تجار امپریالیسم امریکا در ویتنام، خفانه اشتغالگران اسرائیلی به کشورهای عربی است) نظامی کردن اقتصاد، سرکوب دموکراسی و کوشش برای استقرار رژیم های تروریستی فاشیستی (آخرین مثال این اقدام کردوئی ارتجاعی در یوگانی است) چنین است مظاهر آشکار ماهیت ارتجاعی امپریالیسم.

امپریالیسم مسئول عقب ماندگی اقتصادی و فنی دهها کشور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. این عقب ماندگی نتیجه مستقیم غارتگری قدرتهای امپریالیستی و سیاست استثمار و نواستعماری است. امپریالیسم از همه امکانات استفاده میکند تا بوجود آورد، خود ادامه دهد، سرمایه داری معاصر قبل از همه سرمایه داری انحصاری دولتی است که خود را با شرایط مبارزه دو سیستم جهانی تطبیق میدهد.

امپریالیستها با هر نظر گرفتن سطح کونی تیرو های مولده، خصوصیات مبارزات طبقاتی، بقیایان جهانی، موقعیتهای کشور های سوسیالیستی، رشد نیرو های طبقاتی در حوزن جهان سرمایه داری، مانور میکنند، میکوشند تأثیر مخرب ترین پدیده ها مانند هرج و مرج تولید، بجزانهای اقتصادی، بیکاری وسیع مردم یعنی تأثیر پدید هائی را که برای خود از لحاظ اجتماعی خطرناک میدانند محدود سازند. امپریالیستها بطور وسیع سیستم تنظیم دولتی اقتصاد را بکار میبندند. اسلوبهای ظریفتر استثمار زحمتکشان را بکار میورزند. عوامل فیزی اجتماعی را تقویت میکنند. مدلک هیچگونه نوآوری

ماهیت استثمارگرانه سرمایه داری را تغییر نمیدهد، هیچ مانوری نمیتواند بیماریهای بنیادی و ذاتی آنرا علاج کند و تضاد های لاینحل آنرا حل نماید. ضمن تز های بخش سوم گفته میشود که امر نوسازی انقلابی جهان که با انقلاب اکتبر آغاز شد و در پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی تجسم یافت با پیروزی انقلابهای سوسیالیستی در کشور های دیگر ادامه یافت. تشکیل سیستم سوسیالیستی جهانی بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بزرگترین حادثه تاریخی است.

ایات بر اساس نمونه بسیاری از خائنه به ثبوت رسیده است که گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم بک رشته قانون منتهیهای مشترکی دارد که برای نخستین بار در جریان تحولات سوسیالیستی در اتحاد شوروی کشف شد. این واقعیت نیز به ثبوت رسید که هر خائنی برای گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم اشکال و اسلوبهای جدیدی انتخاب میکند.

اکثرویت کشورهای سوسیالیستی که در گذشته سطح اقتصادی نازکی داشتند در مدت کوتاهی بظرفتهای رشد یافته ای تبدیل شدند و سطح زندگی زحمتکشان را به میزان قابل توجهی بالا بردند. عام و فرهنگ را بسرعت پیش رانند. از لحاظ آهنگ رشد اقتصادی دولتهای سوسیالیستی از جهان سرمایه داری بر مراتب جاو ترند. در سال ۱۹۶۶ کشور های سوسیالیستی در مقایسه با سال ۱۹۴۷ ده بار بیشتر محصول صنعتی تولید کرده اند در صورتیکه در جهان سرمایه داری ملی این مدت تولید صنعتی فقط ۳ بار افزایش یافته است.

در نتیجه مبارزه زحمتکشان برهبری احزاب مارکسیستی - لنینیستی در اکثر کشورهای سوسیالیستی مبنای سوسیالیسم ساخته شده، جامعه طبقات زحمتکش شکل یافته است و وحدت اجتماعی، سیاسی و فکری همه خانی بیش از پیش تثبیت میشود.

پیروزیها و دستاوردهای سوسیالیسم با پیدایش و تکامل مناسبات جدید سوسیالیستی بین المللی، که بر اصول برابری و حاکمیت ملی، همکاری همه جانبه و کمک متقابل برادرانه دولتهای سوسیالیستی استوار است، ارتباط ناگسسته دارد.

تزدیکی کشور هائی که در راه سوسیالیسم گام نهانند، بهم پیوستگی آنها در جامعه کشور های سوسیالیستی باسجکوی منافع بنیادی خائنه است و برهمگونی نظام اجتماعی، اقتصادی و بروحدت ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی، اشتراک وظائف در مبارزه علیه امپریالیسم، بخاطر صلح و دموکراسی و سوسیالیسم استوار است.

استقرار مناسبات نوین بین المللی پیروسه فزونی و چند جانبه ای است. با وجود دشواریهای که در راه برقرار کردن همکاری چند جانبه، سازمان دادن سیستم بین المللی تقسیم کار سوسیالیستی وجود دارد معذلت اعزیزات اهمیت آنچه را که طی ۲۰ سال گذشته انجام گرفته است نادیده گرفت. برای جامعه کشور های سوسیالیستی پایه محکمی ریخته شده و اشکال مختلف همکاری اقتصادی و سیاسی و نظامی آنها بوجود آمده است. در زمینه عمل متحد دولتهای سوسیالیستی در صحنه بین المللی تجارب فراوانی بدست آمده است.

وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم، به انترناسیونالیسم پرولتری ضمن رشد کما میابانه سیستم جهانی سوسیالیستی و رشد تأثیر آن در مسیر حوادث بین المللی است.

در عین حال تقویت از مارکسیسم - لنینیسم، از انترناسیونالیسم پرولتری عوالب ناکواری برای امر سوسیالیسم و برای منافع واقعی خائنه ببار میآورد، وضعیکه در چونت پیش آمده گواه بر این مدعا است.

در نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب که ضربتی سنگین بر امپریالیسم بود خانی چین در زمینه رفوم اجتماعی کشور خویش، در امر رشد اقتصاد و فرهنگ بکامیابیهای بزرگی نائل آمد. همکاری همه جانبه جمهوری خانی چین باجامه کشورهای سوسیالیستی با اتحاد شوروی در تأمین این دستاوردها تأثیر بسزائی داشت.

ذراوخر سالهای پنجاه رهبری حزب کمونیست چین در سیاست خارجی و داخلی خط مشی خاصی به پیش کشید که نشانه اعراض از مارکسیسم - لنینیسم بود و مینما با انترناسیونالیسم پرولتری و با قانونه های اساسی ساختمان سوسیالیسم تقاد داشت. گروه

بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۵

ترهای حزب کمونیست اتحاد شوروی

مائوتسه دون باجاری خط مشی آغاز کرده که در آن ماجراجویی خرده بورژوازی و شوونیسم عظمت طلبانه در زیر لفاظی 'چپ' در هم آمیخته بود...

مش ماجراجویانه گروه مائوتسه دون موجب تضعیف مواضع حزب کمونیست چین 'طبقه کارگر چین و باعث تشدید طبیعت آناشیستی خرده بورژوازی گردید...

مردم شوروی همیشه خلق چین را در مبارزه برای تحول انقلابی جامعه دوست و متحد خویش بشمار میاورند...

جامعه کشورهای سوسیالیستی در صفوف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم 'بخاطر صلح و ترقی اجتماعی قرار گرفته است...

در تزه از تأثیر انقلاب اکتبر در سیستم امپریالیستی ساطع مستهزاتی صحبت میشود...

پس از پیروزی انقلاب اکتبر بحران سیستم مستعمرات امپریالیسم آغاز شد...

امپریالیستها میکوشند مستعمرات سابق را در قید وابستگی اقتصادی و اجتماعی نگاهدارند...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

بقیه از صفحه ۱

پیام بهمه احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران

در اوضاع و احوال کنونی کشور ما مبارزه در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک عمده ترین و غم انگیزترین مبارزه سیاسی است...

کلیه زندانیان سیاسی 'مبارزه برای آزادی احزاب و سازمانها و اجتماعات' مبارزه در راه آزادی مطبوعات و عقاید 'مبارزه برای لغو محاکم استثنائی نظامی و ارجاع امور سیاسی و مطبوعاتی به مراجع عادی دادگستری'

مبارزه در راه آزادی انتخابات 'مبهرترین وظایف کلیه میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانست...

انتخابات مجلس مؤسسان که مأمور است اصول ۳۸ و ۴۱ و قانون اساسی را تغییر دهد و اختیار تعیین نایب السلطنه را از مجلسین سلب و بشاه منتقل سازد...

انتخابات با هم میافزاید بهمین سبب در مرحله کنونی مبارزه علیه صحنه سازی انتخاباتی تجدید و افشاء اعمال غیر قانونی و تجاوزات خودسرانه رژیم در مورد حقوق انتخابی مردم ایران اهمیت خاصی کسب میکنند...

دموکراتیک قرار میدهد با وجود محیط اختیالی که در ایران حکمفرما است...

امکان تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

امپریالیسم با وجود تعدد چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه افشاء تقابلات انتخابی و فاش ساختن ماهیت ضد دموکراتیک رژیم...

احزاب سازمانها و مطبوعات دموکراتیک جهان گرفته تا توفیق شامی 'ارسل نامه های شگروانی و تلگراف 'نوشتن مقاله 'تحصیل 'نمایش اعتراض و هر وسیله ممکن دیگری برای بلند کردن بانگ اعتراض مردم ایران و نشان دادن وضع استفاده کرد...

حزب توده ایران بنوبه خود کوشیده و خواهد کوشید از کلیه امکاناتی که در دسترس اوست برای سازمان دادن باین مبارزه استفاده کند...

است که در باره همه این اقدامات و نظرات آن و یا جزئی از آنها که مورد موافقت سایر احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک باشد مشترکاً و متحداً عمل نماید...

نظر بارضاع و احوال خاصی که اکنون در کشور ما حکمفرماست ایرانیان خارج از کشور بویژه دانشجویان ایرانی میتوانند در این نبرد نقش بسیار مهمی ایفا نمایند...

در کشور های خارجه اقامت دارند که اکثریت مطاق آنان را دانشجویان و روشنفکران تشکیل میدهند...

بسیاری در دسترس این جمعیت بزرگ برای شرکت در مبارزه علیه رژیم استبدادی ایران بطور کالی و در این مبارزه مشخص غایب انتخاباتی تعیینی قرار میدهند...

سوی دیگر چونت دولت ایران برخلاف اصول دموکراتیک و حتی بر خلاف نصوص صریح قانون اساسی و قوانین انتخاباتی کشور خودسرانه ایرانیان متهم خارجه را از شرکت در انتخابات و حتی برای محروم نموده است...

بسیج و جلب هر چه بیشتر ایرانیان متهم خارجه در مبارزه بمتنظر افشاء اعمال ضد آزادی رژیم است...

در واقع هیچ قانونی بدون اجازه نمیدهد که خودسرانه بخشی از مردم ایران را فقط بمناسبت اینکه در خارج از کشور سکونت دارند از حق رای و شرکت در انتخابات محروم نماید...

بسیج و جلب هر چه بیشتر ایرانیان متهم خارجه در مبارزه بمتنظر افشاء اعمال ضد آزادی رژیم است...

در واقع هیچ قانونی بدون اجازه نمیدهد که خودسرانه بخشی از مردم ایران را فقط بمناسبت اینکه در خارج از کشور سکونت دارند از حق رای و شرکت در انتخابات محروم نماید...

بسیج و جلب هر چه بیشتر ایرانیان متهم خارجه در مبارزه بمتنظر افشاء اعمال ضد آزادی رژیم است...

در واقع هیچ قانونی بدون اجازه نمیدهد که خودسرانه بخشی از مردم ایران را فقط بمناسبت اینکه در خارج از کشور سکونت دارند از حق رای و شرکت در انتخابات محروم نماید...

بسیج و جلب هر چه بیشتر ایرانیان متهم خارجه در مبارزه بمتنظر افشاء اعمال ضد آزادی رژیم است...

در واقع هیچ قانونی بدون اجازه نمیدهد که خودسرانه بخشی از مردم ایران را فقط بمناسبت اینکه در خارج از کشور سکونت دارند از حق رای و شرکت در انتخابات محروم نماید...

بسیج و جلب هر چه بیشتر ایرانیان متهم خارجه در مبارزه بمتنظر افشاء اعمال ضد آزادی رژیم است...

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران گرم فعالیت است

مجبور شده اند به «کشف شبکه حزبی» و دستگیری «سران توده» در گوشه و کنار کشور اعتراف کنند...

حکمت جو و خاوری و باران شان و کشف کنونی مطبوعه حزب دلائل تازه ایست...

هیئت حا که حق دارد متخیر شود؟ چرا احزاب دولتی باین آسانی منقرض میشوند و یک حزب انقلابی در زیر کوهی از فشار خوردنمیشود...

دردر یائی از خون غرق نمیکردند، علت چیست؟ علت آن برای ما روشن است...

توده ایران حق است. آنهاائی که ببدان میبویندند باین راه حق باور دارند...

ایمان - چنین است دوسرچشمه نیروی لایزال حزب ما...

در جریان کشف مطبوعه دوتن از کارکنان مطبوعه آصف رزم دیده و صابر محمدزاده دستگیر شده اند...

در چنگ پلیس خون آشام ایران گرفتارند. موافق قانون اساسی هیچ جرمی متوجه این افراد که ناشرومجرر روزنامه هستند...

ناشر و محرر روزنامه حزب توده ایران است. موافق قانون اساسی هیچ جرمی بسبب نشر آزادانه مطبوعات متوجه حزب ما نیز نیست...

این دولت است که بسبب سانسور و ممیزی مطبوعات و مداخله در امور آن و توقیف آن و توقیف غیر قانونی کارکنان مطبوعه مجرم است...

اگر دفاع از حق جرم است این جرمی است که در گذشته حزب ما «مرتکب» شده و در آینده نیز با سرسختی تمام «مرتکب» خواهد شد...

این راه منحرف کند. جا دارد افکار عمومی جهان و ایران به توقیف غیر قانونی رفقا آصف رزم دیده و صابر محمدزاده اعتراض کند...

رفقای توده ای، مردان و زنان آزاده ایرانی، در هر جا که هستید بانگ خود را بدفاع از این دو کارگر شریف بلند کنید...

از رژیم بخواهید که فوراً آنها را آزاد کند و به خودسری و نقض دایمی حقوق دموکراتیک مردم ایران خاتمه دهد...

درد گرم به رفقا آصف رزم دیده و صابر محمدزاده

مجلس مؤسسان بصندوق اندازد. بدیهی است شرکت واقعی نمایندگان سازمانهای دموکراتیک محلی و بین المللی و روزنامه نگاران خارجی در این تظاهرات نقش مؤثری بازی میکنند...

اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها

شود که ما چه کسانی را چپ رو و چه کسانی را چپ نما میدانیم و می‌نامیم؟

چپ‌روها کسانی هستند که در ابراز تمایلات ملی و انقلابی خود صادق اند ولی به علل گوناگون که مهمترین آنها عبارتست از عدم تسلط کافی بر تئوری مبارزه و کمی تجربه سیاسی، دچار دکماتیسم و سکتاریسم میشوند و در نتیجه شعارهای غیر واقع بینانه و ماجراجویانه را مطرح می‌سازند. باید گفت که در اینجا تسلط روحیات ناسیونالیستی بورژوازی و خرده‌بورژوازی نیز نقش مهمی بازی میکند. چپ‌روها در ایدئولوژی و سیاست خود، بدرجات گوناگون، بطور کلی از سیاست و ایدئولوژی گرویده‌مانوئس دون پیروی میکنند.

چپ‌نماها کسانی هستند که در واقع ضد انقلابی و ضد کمونیست اند. در میان آنها حتی افراد مشکوکی وجود دارد که در ارتباط آنها با سازمانهای جاسوسی امپریالیستی (سیا، اینتلینجنس سرویس، سازمان جاسوسی آلمان غربی و غیره) و سازمان امنیت ایران تردیدی نیست. اینها زمانی آشکارا و از روبرو با

سازمانهای مترقی و انقلابی و ایدئولوژی و سیاست آنها مبارزه میکنند. ولی در دنیای ما که دفاع از سیاستهای ارتجاعی و مبارزه رو در رو با افکار انقلابی روز بروز دشوارتر میشود و در شرایطی که بیماری چپ روی در جنبش انقلابی و کمونیستی بروز کرده است، اینها نیز نقاب «انقلابی» بر چهره خود زده اند و از «چپ» و همصدا با چپ‌روها سیاست ارتجاعی خود را از پیش می‌برند. این از پدیده‌های جالب این ایام است که امپریالیسم دیکتاتور بر آمده است با شعارهای «چپ» در زمین شعارهای چپ واقعی را با شکست روبرو سازد. باید باین تا کنیک مهم و خدعه گرانه امپریالیستی کاملاً توجه کرد.

بنا بر این نباید تصور کرد که سازمانها و گروههایی فقط چپ رو هستند و سازمانها و گروههایی فقط چپ نما. بلکه واقعیت چنین است که در بین تمام سازمانهای ایدئولوژی غیر توده ای، که همه در ظاهر ملی و انقلابی هستند، هم چپ رو وجود دارد و هم با کمال تأسف چپ نما. بدون تردید اکثریت مطلق

افراد وابسته به این سازمانها با حسن نیت و صادق اند. ولی در این نکته هم تردید نیست که عناصر مشکوک توانسته اند خود را در این سازمانها جا بزنند. یکی از مشکلات اصلی مبارزه با چپ روی در شرایط کنونی همین است، زیرا تشخیص بین عناصر صدیق و غیر صدیق در عمل بسیار دشوار و گساة غیر ممکن است.

میان اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها

مشی چپ روانه‌ای که چپ‌روها اتخاذ کرده اند آنها را از نظر جهانی در برابر اتحاد شوروی و از لحاظ داخلی در برابر حزب توده ایران قرار داده است. جالب است که

اگر تا چندی پیش چپ روها از مشی حزب توده ایران و اتحاد شوروی «انتقاد» میکردند، بتدریج که مواضع روشن تر و مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی حادث گردید، مبارزه با حزب توده ایران و اتحاد شوروی خصمانه شد، بطوریکه اکنون آشکارا اعلام میشود که «هدف اصلی» مبارزه، حزب توده ایران و اتحاد شوروی است.

این وضع زمینه بسیار مناسب برای چپ‌نماها فراهم کرده است. چپ‌نماها که همیشه هدف اصلی آنها مبارزه علیه حزب توده ایران و اتحاد شوروی بوده، اکنون میتوانند با استفاده از محیط چپ روانه و با توجه به اینکه هدف اصلی چپ روها نیز حزب توده ایران و اتحاد شوروی است، نقشه بلیدخوش را از پیش ببرند، بدون آنکه در معرض اتهام همکاری با ارتجاع و امپریالیسم قرار گیرند. در واقع این اتحاد نامقدس به این دلیل عملی شده و این پدیده زبان بخش و خطرناک به این جهت بروز کرده است که سیاست ارتجاعی قدیمی با نقاب جدید بمیدان آمده و با سیاست چپ روها تلافی کرده است.

ماهیت اتحاد چپ روها و چپ نماها

و نتایج آن در عمل

برای آنها که خصومت با حزب توده ایران و اتحاد شوروی و غرق شدن در تمایلات ذهنی دیده بعیرشان را کور نکرده این واقعیت تردید ناپذیر است که حزب توده ایران همچنان در پیشاپیش نیروهای ملی و انقلابی ایران بر ضد ارتجاع و امپریالیسم و برای استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک بیکار میکند؛ این واقعیت تردید ناپذیر است

که اتحاد شوروی در رأس نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بر ضد امپریالیسم مبارزه میکند. این واقعیت راه روز حادثه‌ای در صحنه ایران و جهان زنده تر و آشکارتر میسازد. بنا بر این مبارزه با حزب توده ایران و اتحاد شوروی - آنچه بعنوان هدف اصلی - تلاش برای همکاری و اتحاد با همه کسانی که به دلیلی در این مبارزه ذینفع اند، سیاستی است عمیقاً ارتجاعی، ضد ملی و ضد انقلابی. در اینجا متأسفانه دیگر آگاهی و ناآگاهی بر ماهیت و نتایج این سیاست نقش عمده ندارد. عمده آنستکه بجای گرد آوردن همه نیروهای ضد ارتجاع و ضد امپریالیست، بجای مترکز کردن همه نیروها علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران، درست

برضد آن نیروهایی مبارزه میشود که پیشاهنگ مبارزه برضد ارتجاع و امپریالیسم اند؛ در اینجا دیگر حرفها و شعارهای ماوراء انقلابی مهم نیست. نتایج عملی روشها و سیاستها مهم است. این نتایج عملی در یک کلمه عبارتست از تشدید تفرقه بین نیروهای ملی و بوجود آوردن «اتحاد» برضد انقلابیترین و مبارزترین جناح آن. و این یعنی تضعیف نهضت در مجموع خود. این یعنی کمک به

دوام رژیم و دوام تسلط امپریالیسم. هشدار به همه نیروهای ملی

شکل بروز آنتی کمونیسم در ایران مبارزه برضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی است. امپریالیسم و ارتجاع بویژه پس از شهریور ۱۳۲۰ حتی یک لحظه این هدف اصلی خود را در ایران فراموش نکرده‌اند. آنها تمام وسایل و اشکال را برای نیل باین هدف مورد استفاده قرار داده اند و میدهند. آنها حتی حاضرند زیر نام «کمونیسم» با حزب توده ایران و اتحاد شوروی مبارزه کنند. آنها حتی آماده‌اند که انتقاد و مخالفت با خود را بپذیرند، بشرط آنکه در همانحال با حزب توده ایران و اتحاد شوروی مبارزه شود. تمام نیروی مادی و معنوی آنها، تمام دستگاه جهشی آنها همراه با صدها میلیون دلار پول، بطور خستگی ناپذیری در این راه تلاش میکنند.

هشدار ما به همه نیروهای ملی - بهمه آنهاست که بغلتي از علل، ولی بدون سوء نیت با حزب توده ایران و اتحاد شوروی از در مخالفت درآمده‌اند، بهمه چپ روها که صادقانه به آرمانهای ملی و انقلابی علاقمندند، اینست که با چشم باز، با واقع بینی، با بصیرت نتایج روش ضد توده ای و ضد شوروی را برای جنبش ملی و انقلابی میهن ما، برای مصالح عالیه مردم میهن ما در حال و آینده بنگرند؛ بدینند که روش ضد توده ای و ضد شوروی نه عادلانه است و نه واقع بینانه، نه ملی است و نه انقلابی. درک کنید که این روش، چه بخواهند و چه نخواهند، بزبان جنبش و بنفع دشمنان جنبش است.

هشدار ما اینست که عناصر سالم و با حسن نیت نگذارند از احساسات و تمایلات باک و صادقانه آنها سوء استفاده شود، توجه داشته باشند که دشمن در میان آنهاست و از هر

حرف و هر عمل آنها برای تشدید تفرقه بین نیروهای ملی سوء استفاده میکند. بر حذر باشید از اینکه حساب آنها با حساب عناصر ناسالم و مشکوک که نقاب فریبنده ای بر چهره خود زده اند یکی شود.

اتحاد مقدس نیروهای ملی و دموکراتیک

حزب توده ایران در برابر اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها اتحاد مقدس و واقعی همه نیروهای ملی و دموکراتیک را قرار میدهد. وظایف اعضا و هواداران حزب توده ایران و همه آن کسانی که به این اتحاد مقدس اعتقاد دارند سنگین و دشوار و طولانی است. اکنون باید در عین مبارزه بر ضد انحرافات گوناگون در نهضت، بیکار در راه اتحاد نیروهای ملی را در درجات گوناگون و در سطوح مختلف ادامه داد. هم باید چپ نماها را افشاء

کرد و هم باید چپ روها را با حوصله و متانت و بیکسیری به نتایج زبان بخش روش آنها متوجه ساخت. این نکته را هم بار دیگر با قوت تمام باید تأکید کرد که حزب توده ایران با اینکه از اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها متأسف است، ولی مقابله با آنها علیرغم جار و جنجالی که اخیراً بعلت تشدید مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک و سازمانی حزب ما برضد چپ روی، چپ نمائی و تفرقه افکنی، براه انداخته شده، وظیفه خود میدانند. حزب توده ایران طی یک ربع قرن زندگی خود طوفانی از حوادث را از سر گذرانده، از میان شکنجه و گلوله باران دشمن و اتهامات ناسزاهای او و همه مخالفانش گذشته ولی زنده است و به بیکار عادلانه خود ادامه میدهد. ما به پیروزی نهائی راه و روش خود ایمان داریم.

م. انوشه

تنها جواهرات مدعوین جشن عروسی آقای الفتیان میلبور مشهور ایرانی دهها میایون تومان ارزش داشت و کار آگاهان مأمور حفاظت این جواهرات بودند. مخارج عروسی در هتل و نیک بیه ۲۵۰ هزار تومان بالغ شد، خوانندگیا

«هنگ الماس»

هنگ الماس - نام مناسبی است که به قشر ممتاز در جامعه‌های سرمایه داری داده شده است. بر فراز سیاه بی حد و قیاس فقر و افلاس، هنگ الماس قنار دارد. شکر که کشور ما از این بابت از «غرب طلائی» عقب مانده است و ایتروها که تاجهای تازه‌ای را برای شاه و شهبانو ترصیع میکنند میلیونهای وطنی نیز بجلوه گری برداشته اند.

هنگ الماس حق دارد کاملاً لاقید باشد و خود را در مستی شامیانی و بخور عطرهای خلسه آور غرق کند، تختها و سرنیزه‌ها از آن اوست. قانون در تیرا برش سرخورد خود را خم میکند. روشنفکران و چندان فروش نیوغ خود را در پای او میریزند. در دوزخ بزرگ ایران این هنگ مالک گوشه‌هایی بهشتی است؛ استخرهای کبود، باسهای پرشور، پارکهای خوشبو، پارتهای پر نشاط.

بمارش عجیب این هنگ الماس بنگرید؛ بمارش آنها برزاقه‌های بی‌نور، مزارع خشکیده، آرزوی لگدمال بیکاران، بیکاریجان مجاهدان و شهیدان، سفره تهی کارمندان بی چیز، کارگاههای گردآلود پیشه‌وران و رشکست... بمارش پیروزمند هنگ الماس بر استخوان سیاه افلاس!

ا. س.

نامه سرگشاده رفقا حکمت جو و خاوری به نخست وزیر

اخیراً متن نامه سرگشاده رفقا حکمت جو و خاوری خطاب به آقای هویدا نخست وزیر بدست ما رسیده است. رفقا حکمت جو و خاوری در این نامه یک سلسله واقعیات را در باره وضع زندانیان سیاسی افشا میکنند و ضمناً بر اساس همبستگی انقلابی دست دفاع از حق بنهاندگان سیاسی ایران در بازگشت بوطن میزنند. رفقا حکمت جو و خاوری که باروش پیکار جویانه درخورد تحسین نوشته شده است سند تازه است بر روح شکست ناپذیر توده ایها. چه قبل از دادگاه بدوی و تجدید نظر و چه بعد از آن رژیم تلاش زیاد بکار برد تا از این رفقا اظهار ندامت بگیرد ولی آنها مرگ را از تسلیم گوارا تر شمرده اند.

رفقای مبارز ما در زندان به این دو تن رفیق پیکار جو محدود نیستند. در زندان رفقای هستند که اکنون از ۱۹ تا ۲۰ سال است در زندانند. عده ای از اعضاء سازمان افسری حزب توده ایران مدت ۱۳ سال است از زندانی به زندان دیگر اعزام میگرددند. این رفقا حاضر نشدند بن به شکست و تسلیم بدهند و مانند کوهی استوار در سنگر خویش ایستاده اند.

نبرد رفقای زندانی ما با ایستادگی آنها، بانگ رسانی حق طلب آنها، به همه شیفتهگان آزادی خواه در کشور و خواه در خارج الهام میدهد.

رونوشت به دادستانی اتریش - رونوشت به روزنامه اطلاعات - رونوشت به مجله امید ایران، جناب آقای نخست وزیر، بنا به تشخیص و رأی دادگاههای تابع دولت شما و اسلاف شما که بهر حال مسئولیت اعمال خلاف رویه و قانون آنها و عوالت آن تارویک به برطرف نشود برعهده شماست، عده ای افراد وطن پرست در چهار دیوار های تنگ زندانی و تبعیدگاهها بسر میبرند. اینها بجزم عدالت خواهی، آزادی دوستی و میهن پرستی، داشتن عقاید مترقی و انساندوستانه، دچار بیعدالتی سلب هرگونه آزادی و محرومیت از خدمت بوطن گردیده اند. دولت شما نمیتواند از آن محدودیتهاییکه علاوه بر محدودیتهای فوق نسبت بما زندانیان سیاسی اعمال میشود بی اطلاع باشد. امکانات فوق العاده محدود معالجه و مداوای بیماران که اغلب بنحو بسیار زنده و ناشایستی ارائه میشود، محدودیتهای عجیب در ارسال و دریافت نامه برای زندانیانیکه سالها از دیدار فرزندان خود حتی از پشت میله های زندان محروم میشوند، محدودیت در امر دریافت کتاب و مطبوعات که در داخل کشور اجازه طبع و نشر را پیدا کرده اند، ترتیب دیدار با خویشان که اغلب آنها سالخورده و بیمارانند و از پشت جورشته دیوار از میله های آهنین انجام میگردد هیچیک از آنها را ما شایسته خود نمیدانیم. هر يك از ما طی جریان محاکمات معموله باصل غیر قانونی بودن دادگاهها و عدم رعایت عدلی ترین موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی قوانین موجود کشور متعرض بوده ایم. دادگاههای تابع دولت شما تضامات معمول خود را در اعمال و افکار ما قیلاً بکار برده اند. شاید این نامه هم مانند نامه های متعدد دیگر یکسره راه آرشو های فراموشی را در پیش بگیرد ولی این امر نمیتواند مانع آن شود که گفتنیها ناگفته بمانند. ما بویژه در روز هائیکه سرتاسر تبلیغات دولت را موضوعات کوشش در راه بسط پادشاهی، بسط فرهنگ و حمایت از کتاب و دانش که پیروی از اصول اعلامیه حقوق بشر و حفظ رعایت حقوق فردی اشخاص فرارگرفته است. این را مینویسیم جناب آقای نخست وزیر آنچه در مورد وسطی و با در نظر گرفتن بهترین کشورهای جهان نسبت به مخالفان سیاسی دولتها میشده است، در دوران ما نسبت باینگونه اشخاص اعمال میشود. شما نمیتوانید مطمئن باشید که هیچ فرد آگاه و انساندوست و میهن پرست واقعی را چه در داخل کشور و چه در خارج از آن نمیتوانید پیدا کنید که باحکام جابرانه و خلاف قانون دادگاههای مورد بحث ما صحنه بگذارد. شما میدانید که ما چه خواستهایم و چه میخواهیم. شما میدانید که جرم عده زندانیان سیاسی شما و محکومین بجای وطن و که سالها از منبع امید بازگشت بدانم نام وطن نیروی حیات و حرکت میگیرند چیست. آیا این دلیل و تنها همین یک دلیل برای اثبات انساندوستی و میهن پرستی زندانیان سیاسی امروز شما کافی نیست که در قبال انتخاب مرگ یا دست کشیدن از عقیده، مرگ را برتر از عقاید میهن پرستانه و بشر دوستانه خود ترجیح داده اند؟ آیا شما میدانید که در دولت شما مناجات داشتن «فصدونیت» برای مخالفان سیاسی اسدما یا مادام العمر محروم ساختن از آزادی آنها در شرایطی که مختصراً ذکر شده تمیزت میکنند. دولت شما ما را مضر بحال منافع کشور و حتی خیانت پیشه معرفی

میکند. ما خود را عاشق پروانه صفت وطنمان، زحمتکشان کشورمان و خادم و فدا کار در راه تحقق آمال انسانی مردم وطنمان میشماریم. دولت شما ما را ترمز کننده امر پیشرفت کشور معرفی میکند. ما افکار و نظریات خودمان را در مورد مسائل و مشکلات وطنمان مترقی و انساندوستانه میدانیم. چنانکه ملاحظه میفرمائید ارزباییهای شما و ما در این مورد درست ۱۸۰ درجه مخالف یکدیگر است. دولت شما این تضامات ثابت را بوسیله دادگاههای غیر قانونی خود که تنها مورد قبول دولت شماست اجرا نموده است. محرومان بدارید اگر باین ضرب المثل منطقی ولی بظاهر تلخ تفسیری اشاره میکنیم که این امر تنها بقضای رفتن است و نتیجه آن چیزی است که موضوع اعتراض ما را تشکیل داده و میدهد. نظر ما از نوشتن این نامه آن نیست که بپایند بند از دست و پای ما بردارید یا اینکه از آن سببهای موهن و ننگین که در ابتدای بعنوان اتهام و سپس سایر غمناک و شامالی واقعی ما بعنوان جرم بما داده اند بوزش بخواهید.

در جائیکه وطن ما دچار درد های بمراتب بزرگتر و زخمهایی بدرجات عمیق تر است بخود اندیشیدن شرط عشق ورزیدن بوطن و مردم آن نیست. دستگاه قضایی دولت شما ما را تا پای چوبه دار برد ولی سخنی جز میهن و ملت از ما نشنید. انگیزه ما در نوشتن این نامه یادآوری آن مسئولیت خطیری است که در شرایط خاص و کم سابقه میهن ما خواهی نخواهی برعهده دولت شما واگذار شده است. ما بحکم وجدان و معتقدات خود نمیتوانیم در این مورد سکوت کنیم. هر چند که این عدم سکوت بتواند برای ما گرانتر تمام شود. تجربه تاریخ بویژه تجارب مذهبی که در وضع موجود کشور ما بوده اند درسهای روشنی هستند که راه اجرای اصلاحات واقعی ژرف ملی و تحولات عمیق اجتماعی را نشان داده و میدهد. کدام نمونه تاریخی از زندگی گذشته و حال ملتها را میتوانی بیان فرماید که چنین تحولات بدون شرکت صمیمانه و آگاهانه اکثریت وسیع مردم و پشتیبانی بیدرغ و فداکارانه آنها صورت گرفته باشد. ما معتقدیم که ثابت و پیشرفت واقعی را همین شرکت آگاهانه و فعال افکار وسیع مردم و همه میهن پرستان واقعی برپایه اصول «همو کسبائیک» میتوانست بوجود آورد. ما متأسفیم از اینکه هزاران نفر افراد تحصیل کرده و متخصص و میهن پرست که وجودشان در دورانی که کوشش هائی برای رفع عقب ماندگی کشور میشود حکم بزرگترین سرمایه را برای میهن ما دارد باید با شور عشق و یکران و علاقه خدمت به میهن سالهای سال محروم از دیدار وطن و ملت و خوشحالی خود باشند و نیروی ذیقیمت تخصص و علاقه نظری آنها بآب و خاک آبا و اجدادی در میهن بکار نگمارند. نشود افکار و عقاید آنها را دلیل این بییهالتی بزرگ میدانید آیا نمونه فداکاری و میهن پرستی همکاران آنها را در هر گوشه و کنار جهان بنظر نمیآید؟ آیا بجزیره ثابت نشده است که چنین اشخاصی بیکرترین و فداکارترین افراد در راه اعتلای میهن و ملت میباشند. جناب آقای نخست وزیر توجیه این مطلب که هزاران نفر ایرانی مجبور و محکومند که دیگر روی وطن را نبینند با هیچ استدلال و منطقی علمی نیست. شما هم شاید حسن کرده باشید که این درد بجدی برای آنها که دور از وطن هستند سنگین و

همکاری سازمان امنیت و پلیس اتریش

از چندی پیش سازمان امنیت به اعمال فشار جدیدی بر ضد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور دست زده است. جالب است که این فشار در اتریش «بیطرف» بیشتر بچشم میخورد. ما موردان سازمان امنیت در سفارت ایران در اتریش با همکاری پلیس اتریش بیهانه های گوناگون در مورد نمیدید گذرنامه و اقامت دانشجویان ایرانی، بویژه آنها که فعالیت صنفی و سیاسی دارند، اشکال تراش میکنند و آنها را تحت فشار و مضیقه قرار میدهند. این فشار در ایران بصورت تهدید خانواده های دانشجویان و واداشتن آنها بقطع کمک مالی برای فرزندان آنها ظاهر میکند. تکلیف مردم ایران با سازمان امنیت روشن است. ولی همکاری پلیس اتریش با سازمان امنیت ایران بر ضد دانشجویان ایرانی موجب تأسف است و از جانب مردم ایران شرکت در اعمال غیرقانونی سازمان امنیت ایران و نقض آشکار بیطرفی اتریش تلقی میشود. ما به این اعمال غیر قانونی شدیداً اعتراض میکنیم. در همان حال ما توجه همه دانشجویان و سازمانهای دانشجویی، فدراسیونها و کنفدراسیون را به این اعمال فشار جلب میکنیم و آنها را بمبارزه متحد برای دفاع از حقوق دانشجویان و اعتراض به بیقانونیها دعوت میکنیم و سودمند میشریم که این سازمانها طی نامه مستندی مقامات اتریش را با جریان آگاه سازند و ناسازگاری این روش را با سیاست بیطرفی اتریش متذکر گردند. بویژه در این مواقع است که سازمانهای دانشجویی باید موجودیت خود را بعنوان مدافع حقوق دانشجویان به اثبات رسانند.

میتینگ دانشجویان آلمانی و خارجی در شهر رستک

بنا با اطلاع مندرجه در روزنامه های «اوست زده» و «دمکرات» مطبوعه بندر رستک (جمهوری دموکراتیک آلمان) در تاریخ ۲ شبه ۳ ژوئن میتینگ بپای دعوت دانشجویان ایرانی منبم رستک از دانشجویان آلمانی و خارجی تشکیل شد. در این میتینگ به اقدامات وحشیانه پلیس آلمان بمناسبت سفر شاه اعتراض گردید و تلگراف اعتراض آمیزی برای کیزینگر صدر اعظم جمهوری و مراجع دیگر ارسال شد و شرکت کنندگان میتینگ نامه تطبیقی خطاب به بانو اوزنرگ دانشجوی شهید آلمانی بدین مضمون ارسال داشتند: «متراب تأثر و تأسف عمیق خود را بمناسبت مرگ همسران ابراز میداریم و بشما اطمینان میدهم که هرگز نام «اونه زرگ» از لوح ضمیر ما زوده نخواهد شد. دانشجویان آلمانی و خارجی دستگاه رستک، ناگوار است که دیگر علاج سریع و مبرم خود را طلب میکنند. کشوری نظیر اسپانیا لاشیت حتی ناچار شد بصدای اعتراض مردم و عدم رضایت آنها گوش فرادهد و به مهاجرت فرزندان میهن پرستان اسپانیولی خاتمه ببخشد. شما اگر قدری برای شنیدن این اعتراض دقیق تر گوش کنید بخوبی بوجود آن پی خواهید برد. بگذارد که این درد از توانائی و نیروی ضروری مردم کشور ما در لحظات حاد تاریخی نکاهد. ما در وضع خاص خود که بر شما پوشیده نیست وظیفه خود دانستیم که نظر شما را بوضع مطروحه در فوق که قطعاً در سرنوشت آینده میهن ما و چگونگی حل آنها اهمیت ویژه ای خواهد داشت جلب کنیم با احترامات فائده پرور حکمت جو - علی خاوری

در راه عفو عمومی مبارزه کنیم

یکی از شعارهای مبرم حزب ما مبارزه در راه عفو عمومی است. در همین جا باید بیافزائیم که «عفو عمومی» (که معادل لغت «آمیستی» اروپائی است) بهیچوجه بمعنای طلب غفران و آمرزش از آستان هیتلر حاکمه نیست. هرگز و هرگز انقلابیون و آزادیخواهان بسبب دفاع از حق مردم از غاصبین این حق طلب آمرزش نمیکنند و اگر کسی چنین کند شایسته نام والای انقلابی و مترقی آزادیخواه نیست. ولی سازمانهای انقلابی و موکراتیک، عناصر مترقی و آزادیخواه حق دارند و باید در دورانی که یکسلسله احکام جابرانه جمعی و فردی صادر شده و گروه کثیری به حبس و تبعید و جلا و وطن محکوم و مجبور شده اند از هیتلر حاکمه بخواهند این وضع اختناق آور غیرعادی را با گذراندن قانون عفو عمومی یعنی قانون لغاء بکاره مشتی احکام جابرانه، جبران کند. در اصطلاح سیاسی و قضائی عفو این واژه دیگری برای این مفهوم نیست. به همین جهت حزب ما در این دوران که تعداد کثیری محکومتهای ظالمانه طی دوران سلطنت محمد رضا شاه ذخیره شده است و دهها هزار نفر در زندانها، تبعیدگاهها و جلا و وطن اجباری رنج میبرند، شعار مبارزه در راه عفو عمومی را مطرح میکند و در طرح این شعار کاملاً ذبحی است.

این يك شعار مبارزه است نه يك شعار تقاضا و استرحام و استمداد. هیتلر حاکمه در شرایط کنونی برای گذراندن قانون عفو عمومی از مجلس آماده نیست. آنچه که در این روزها بنام «لایحه عفو» از تصویب شورا و سنا گذشته ماده واحد نمیدهند و مبهمی است که بدولت اختیار میدهد در کادر قوانین موجود تصمیماتی در باره تخفیف مدت حبس عده ای از زندانیان بگیرد. این جریان در حکم اصل کمابیش وسیع تر همان «عفوهای ملوکان» است که هر چندی یکبار انجام میگردد. مردم ایران و عناصر انقلابی و مترقی این بخشایش گری ملوکانه را خواستار نیستند. آنها خواستارند که بر روی کوهی احکام ظالمانه و ضد قانون اساسی قلم ابطال کشیده شود.

دستگاههای تبلیغاتی آشکار و نهانی رژیم مدتی است بندار باطل «عفو عمومی» را که گوید بر توی «رأفت ملوکان» و در جریان تاجگذاری انجام خواهد گرفت بخش میکنند. توده ایها همیشه در مقابل این قبیل بندار های تخی هشیاری و واقع بینی سیاسی نشان داده اند. در مقابل شایعات کنونی عمال رژیم نیر وضع غیر از این نیست و نخواهد بود. برای تحقق يك مبارزه صحیح در راه عفو عمومی باید افکار عمومی ایران و جهان از وضع زندانیان و تبعیدیان و مهاجران سیاسی و بی قانونی صرف و رژیم پلیسی در ایران آگاه گردد، کمیته های عفو عمومی تشکیل شود، مبارزات مشخص وسیع صورت گیرد، فقط و فقط چنین مبارزهای، همراه با بستن عمومی جنبش رهائی بخش کشور ما میتواند و قادرست طی زمان شعار عفو عمومی را از صورت يك شعار تجریدی بصورت يك شعار عملی در آورد.